

وحشت از بازخواست

درست از همان فردای ایجاد محکمه اختصاصی رسیدگی به شکایات انتخاباتی به امر مستقیم رئیس جمهور، وکلای متقلب که با هزار و یک حيله و نیرنگ و خدعه و فریب به پارلمان کشور راه یافته بودند و گفته میشد تعداد آنان بالاتر از هشتاد نفر است، به وحشت اندر شدند و فریاد و فغان شان از هفت آسمان گذشت.

این وکلای متقلب به شدت از این وحشت دارند که مبادا محکمه اختصاصی بعد از پیگیری تقلبات انتخاباتی، آنانرا از تالار شورای به اصطلاح ملی، دست بسته به مقامات قضائی تحویل داده و آبروی نداشته شانرا برباد دهد.

این عده متقلبین بار بار خود را به آب و آتش زدند و به پای رئیس دولت شان خم و چم شدند و عذر و زاری کردند تا مگر رئیس جمهور محکمه اختصاصی را لغو نماید. اگر وکلا با رای مردم انتخاب گردیده و به پارلمان راه یافته اند، پس بگذارند محکمه اختصاصی بکار خویش ادامه دهد و حق به حقدار برسد. گفته اند: "آنها که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است". چرا باید از محاکمه وحشت داشت؟ اگر ریگی در کفش ندارید و اگر با آرای مردم خیانت نکرده اید، اگر به زور و زر و تذویر به پارلمان راه نیافته اید، پس بگذارید محاسبه صورت گیرد و محکمه اختصاصی بکار خود ادامه دهد.

از جانب دیگر وکلای معترض که به پارلمان راه نیافته اند، به شدت پافشاری دارند تا محکمه اختصاصی با جدیت، تقلبات انتخاباتی را پیگیری نماید. این عده وکلا نیز بار بار به رئیس دولت مراجعه نموده و خواهان عدالت گردیده اند. آنان میگویند رئیس جمهور صلاحیت الغای محکمه اختصاصی را ندارد.

رئیس دولت که مجبور ساخته شده بود تا پارلمان سوال بر انگیز و غیر قانونی را افتتاح نماید، در روز گشایش پارلمان جدید به وکلای معترض وعده نمود که باوجود افتتاح پارلمان، محکمه اختصاصی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، به کار خویش ادامه میدهد و به خواسته های وکلای معترض بصورت جدی رسیدگی می شود و باقی قضایا. حامد کرزی در این جریان با داد و گرفت های پیدا و پنهان با وکلای متقلب در صدد آن برآمد تا گماشته خون آلود خود، (عبدالرسول سیاف) را در مسند ریاست شورای به اصطلاح ملی نصب نموده و از آن طریق خواسته های خود را بر وکلا در داخل پارلمان تحمیل نماید. اما وکلای متقلب چون در نیرنگ و تقلب دست دراز داشتند، نه تنها از نصب گماشته رئیس جمهور، (سیاف و هابی) جلوگیری نمودند، بلکه با هزار و یک نیرنگ و خدعه کوشیدند بر حامد کرزی فشار وارد نمایند تا محکمه اختصاصی را نیز منحل سازد.

بعد از هفته ها تپ و تلاش و تا و بالا دویدن های وکلای متقلب، حامد کرزی از آنان دو روز مهلت خواست تا اقدام به لغو محکمه اختصاصی نماید. دیده شود که وکلای متقلب دروغ میگویند یا حامد کرزی بار دیگر فرمان خود را خود زیر پا میکنند.

تازه ترین گزارش مشعر بر این است که شمارش مجدد آرای ولایت خوست خاتمه یافته است و گفته میشود شصت (۶۰) در صد آرا تقلبی بوده است.

"... به گفته محمد فاضل عتیق، در این باز شماری، شصت درصد آرای استعمال شده تقلبی بوده که این آرا به نفع شماری از کاندیدان برنده در پارلمان به کار برده شده بود."

"... بر اساس اطلاعات وخت، در این باز شماری، آرای ۳ تن از کاندیدان معترض بیشتر از کاندیدانی است که در پارلمان قرار دارند."*

این بدان معنی است که تنها و تنها از ولایت خوست، باید سه وکیل متقلب در پارلمان، جای خود را با وکلای معترض و برنده اصلی خالی نمایند. بدین گونه امکان آن موجود است که بیشتر از هشتاد وکیل متقلب روانه زندان گردیده و هشتاد وکیل جدید چوکی های آنان را اشغال نمایند.

در این صورت آنچه تا کنون در داخل پارلمان در جریان بوده است، به شمول انتخاب رئیس و معاونین رئیس و منشیان و رسای کمیته های متعدد و... همه و همه خلاف قانون بوده است.

از جانب دیگر اگر به اثبات برسد که رئیس فعلی پارلمان یکی از همان متقلبین بوده است، سرنوشت وی چه خواهد بود و سرنوشت پارلمان چه خواهد شد؟

آیا رئیس جمهور از به محاکمه کشانیدن بیش از هشتاد وکیل متقلب وحشت دارد، یا برای یکبار هم اگر شده به فرمان خویش احترام قائل شده و بدان استوار باقی می ماند؟

اگر یکی از این متقلبین، گماشته رئیس جمهور یعنی (رسول سیاف) باشد، که از واقعیت بدور نیست، چه اتفاق خواهد افتاد؟

آیا " سیاف " شهامت آنرا دارد تا اعتراف نماید، یا اینکه به کوه بالا خواهد شد؟
آیا رئیس جمهور قادر به محکمه کشاندن (رسول سیاف) خواهد بود یا طبق معمول او را به مقام بالاتری نصب خواهد نمود؟

از هشتاد نفر یا بیشتر وکلای متقلب، چه تعداد گماشتگان رئیس جمهور خواهند بود و چه تعداد گماشتگان جنایتکاران جنگی تنظیمی و ملیشه ئی؟
اگر " سیاف " و رفقا و برادران، به کوه بالا شده و از چنگ عدالت همچنان فرار نمایند، چند نفر گرد او جمع خواهند شد و چند روز زنده خواهند ماند؟
آیا او هم مانند یار غار " بحران الدین ربانی " در خدمت طالبان در خواهد آمد و یا اینکه به رفیق شفیق خود " گلبدین حکمتیار " خواهد پیوست؟

پرسش های فراوان موجود است که شاید گذشت زمان به آنها پاسخ گوید. اما و مگر، آیا قانون خود ساخته جنابان عالی در مورد به محکمه کشاندن رئیس پارلمان وضاحت دارد یا خیر؟
اگر محکمه اختصاصی به همینگونه کارش را با جدیت دنبال نماید و لوی خانونالی هم با قاطعیت و با شهامت در زمینه اقدامات جدی بعمل آورد، با یقین گفته میتوانیم که پارلمان فعلی ملغی اعلان خواهد شد که در آنصورت وزرای سرپرست همچنان خلاف قانون به کارهای شان ادامه خواهند داد و تمام امور مملکت غیر قانونی بوده ضمانت اجرائی نخواهد داشت.

در آخرین گزارش (بی بی سی) آمده است که: " صدیق الله حقیق رئیس محکمه اختصاصی رسیدگی به شکایت های انتخاباتی افغانستان می گوید این محکمه همچنان به کارش ادامه می دهد تا عدالت تأمین شود."

حال دیده شود که وکلای متقلب راست میگویند و رئیس جمهور در صدد لغو محکمه اختصاصی است، یا رئیس محکمه اختصاصی دیده شود که آیا واقعاً عدالت تأمین میگردد یا اینکه مانند همیشه و طبق معمول، عدالت زیر پا میشود و رئیس جمهور یکبار دیگر فرمان خود را خود نادیده گرفته و محکمه اختصاصی را لغو کرده و آب سردی بر آتش عدالت خواهان ریخته و در غندی خیر می نشیند و تماشا میکند.

همین گزارش می افزاید: " اخیراً بان کی مون منشی عمومی سازمان ملل متحد نیز در این مورد ابراز نگرانی کرده و گفته است که اگر اختلافات بر سر ادامه کار این محکمه ادامه یابد و منجر به یک بحران سیاسی شود، به اعتبار دولت افغانستان لطمه می زند و از تأثیر آن می کاهد."

دیده میشود که مقامات ملل متحد و شخص بان کی مون نیز خواهان لغو محکمه اختصاصی اند و در گذشته سفارت خانه های خارجی در کابل نیز حمایت خود از پارلمان جدید را ابراز داشته و حتی رئیس جمهور را مجبور ساختند تا خلاف میل باطنی اش، پارلمان سوال برانگیز را افتتاح نماید. بان کی مون گفته است " ... اگر اختلافات بر سر ادامه کار این محکمه ادامه یابد... "، یعنی جناب شان ادامه کار محکمه اختصاصی را صلاح نمی دانند. این بدان معنی تواند بود که بیشتر از هشتاد وکیل متقلب که به پارلمان راه یافته اند و از ادامه کار محکمه اختصاصی در وحشت اند، همه افراد گماشته شده خارجی ها و در حقیقت جاسوسان سرسپرده بیگانه ها اند.

از سوی دیگر رئیس جمهور خود ساخته در صدد فراخواندن لویه جرگه است تا در مورد ایجاد پایگاه های نظامی اضلاع متحده آمریکا در خاک افغانستان، تصمیم بگیرند.

این لویه جرگه چگونه ماهیت قانونی خواهد یافت، در صورتیکه پارلمان غیر قانونی است و بیشتر از هشتاد وکیل متقلب در آن حضور دارند که همه جاسوسان و گماشتگان خارجی اند و وزرای حکومت هم اکثراً وزرای سرپرست اند و خلاف قانون بیشتر از موعد مقرر در پست های شان لم داده اند.

حامد کرزی، جهت فراخواندن لویه جرگه به همچو یک تشکیلات مافیائی ضرورت دارد و حامیان خارجی او نیز به شدت در این داد و گرفت ها شریک اند. این لویه جرگه اگر در چنین شرایط فراخوانده شود، حیثیت همان " شورای اهل حل و عقد " ربانی- مسعود را خواهد داشت و نه کمتر و نه بیشتر، هرگونه تصمیم از جانب همچو یک " لویه جرگه "، به هیچ وجه از خواست مردم درد رسیده و دربند افغانستان نمایندگی نمی کند.

ختم

*- شبکه اطلاع رسانی افغانستان